

جلسہ  
چهارم

# بی تفاوتی ممنوع

دکتر علی تقوی

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عليكم ورحمة الله

وقت شما به خیر و نیکی باشه ان شاء الله.

سلسله جلسات آشنایی با **امر به معروف و نهی از منکر** با حضور دانشجویان فرهیخته بزرگوار.

رسیدیم به بحث **احکام امر به معروف و نهی از منکر** ذیل اون شرایط **وجوب امر به معروف و نهی از منکر**.

در جلسات گذشته که خدمت بزرگواران بودیم از شرایط **وجوب امر به معروف** دو تاش رو به اجمال عرض کردیم؛ اگر خاطر خواهران بزرگوار باشه، یکی بحث علم به معروف و منکر بود: یعنی اطمینان داشتن از گناه و یکی احتمال تأثیر.

این دوتا رو سریع مرور و جمع بندی کنیم، بریم به دو شرط دیگه پردازیم و بعد هم احیاناً پرسش ها و پاسخ هایی که خواهیم داشت.

گفتیم اولین شرط اینه که طرف گناه انجام بده، یعنی بدونیم که کارش گناهه، یعنی علم به منکر، علم به معروف داشتن. یعنی بدونیم



اون کاری که ترک شده یه واجبه. اون وقت بهت واجبه که تذکر بدی. یا بدونی اون کاری که رخ داده یه گناهه، حرامه. اون وقت بهت واجب می‌شه که نهی از اون کار بکنی. البته یه نکته رو دقت کنیم وقتی می‌گیم علم به معروف و منکر، علم گناهکار منظورمون نیستا، علم تذکردهنده ملاکه.

یعنی اینکه گناهکاره می‌دونه کارش گناهه یا نمی‌دونه این ملاک نیست. چه بدونه، چه ندونه باید تذکر بده. بعضیا به شما می‌گن که: بابا! اینا که خودشون می‌دونن کارشون گناهه، ولشون کن. بعد فرداش می‌گن که: بابا! اینا که نمی‌دونن کارشون گناهه، ولشون کن. یعنی یه مغلطه‌ای. خب، مردم دو دسته‌ان: یا می‌دونن یا نمی‌دونن دیگه چیزی رو، این رو ولش کن، اونم ولش کن.

نه اینکه گناهکار می‌دونه کارش گناهه یا نمی‌دونه، حالا اسم تذکر ما می‌شه ارشاد جاهل مثلاً. می‌شه **امر به معروف**. این خیلی طوری نیست. علم آمر و ناهی ملاکه. لازم نیست علم به همه معروف‌ها داشته باشیم، اینم نگفتیم. دقت کنید. یعنی بعضیا فکر نکنن که



آقا! ما باید همه معروف‌ها رو بشناسیم، همه کارهای خوب و همه کارهای بد و اسمش رو بدونیم تا بخوایم...

نه بابا! من احکام دفن میت رو بلد نیستم؛ ارث و دیه و قصاص هم بلد نیستم. ولی حالا می‌دونم دروغ گناهِه، الان یکی داره دروغ می‌گه تو جمع فامیل، باید یه تذکری بدم. لازم نیست همه علم به همه مسائل شرعی داشته باشیم و نکته آخر اینکه علم اجمالی کافیه برای وجوب، نه علم تفصیلی نیاز نیست.

یعنی چی؟ یعنی آقا! من مثلاً نمی‌دونم چرا طلا برا مرد حرومه ولی اجمالاً می‌دونم که حرومه.

همین که این مسئله رو می‌دونم واجبه تذکر بدم. یه خانمی اومد گفت که آره، اگه من دیگه تذکر نمی‌دم به سگ نجسه، خب بخوام بگم به فامیلمون اینا، چون نمی‌دونم چرا سگ نجسه که دلایلش رو بلد نیستم، پس علم ندارم به منکر.

نه منظور این نیست که شما چراییش رو بدونی. چرا نماز واجبه؟ چرا روزه؟ نه. علم داری که سگ نجسه؟ علم داری که نماز واجبه؟



پس همین وجوب میاره. درست شد؟ یعنی این نکات رو دقت کنید. احتمال تأثیر هم که گفتیم همیشه هست و انواع و اقسامی داشت که تقریباً اکثر موارد، بلکه همیشه، اقلای یکی از اینها هست و گفتیم مهم‌ترینش که کمترین فایده **امر به معروفه**، اینه که لااقل زشتی گناه از ذهن مردم نره و منکر، منکر بمونه؛ معروف، معروف بمونه. خب این جلسه دو تا شرط خیلی کوتاه می‌خوایم بگیم و بعد به سؤالات شما پردازیم.

### شرط وجوب سوم در امر به معروف: قطع نشدن گناه:

قطع نشدن، یعنی اگه گناه قطع نشده تذکر بده. اگه گناه قطع شد، دیگه نمی‌خواد، می‌خوای مثلاً دو نفر رو آشتی بدی، شما خب بعد با خبر می‌شی که عه یهو آشتی کردن خودشون. خب تکلیف ساقط شد از شما. می‌خوای بری به یه کسی بگی که آقا! مثلاً اشتباه داری ورود ممنوع می‌ری، اینجا زباله‌ها رو مثلاً نگذار. زباله‌ها رو ببرین سطل زباله یا مثلاً نمی‌دونم، اینجا بیمارستانه بوق نزن، یا مریض خوابه یا هر چی. ولی خود این شخص یا مثلاً خانم می‌خوای بگی خانم



شالتون افتاده مثلاً سرتون کنین. این خودش قبل از تذکر شما، یا به دلیل اینکه حواسش جمع شد، یا به دلیل اینکه یکی دیگه بهش تذکر داد، یا هر چی، به هر دلیلی این موضوع رو حل کرد؛ رفع کرد. اینجا دیگه تذکر ساقط می‌شه دیگه. پس شرط سوم چیه؟ قطع نشدن گناه یا استمرار گناه یا اصرار بر گناه اصطلاحاً بهش می‌گن. یعنی تا وقتی گناه هست همه باید تذکر بدن.

✚ اگر کسی، ببخشید میون حرفتون، اگر یه کسی داره غیبت می‌کنه، یا دروغ می‌گه، خودش هم مثلاً می‌دونه که داره گناه رو انجام می‌ده ما اگه بهش بگیم بعد اون همچنان به گناهِش ادامه می‌ده.

✚ فقط جلوی ما رعایت می‌کنه، دوباره وقتی ما نباشیم اون گناه رو تکرار می‌کنه.

**دو تا نکته شد:**

یکی اینکه اشکال نداره، می‌دونیم می‌دونه. ببینید، تذکر یعنی یادآوری که خودش می‌دونه کارش گناهه و این‌ها، دقیقاً جالبه بدونید **امر به معروف و نهی از منکر** برای کسی، یعنی نسبت به کسی واجب است



که دانسته و عالمانه داره گناه می‌کنه. اتفاقاً دقیقاً به اون باید تذکر داد. اونی که نمی‌دونه به قول آیت‌الله جوادی آملی و خیلی دیگه از مراجع تقلید می‌فرمایند که: اون تعلیم می‌شه، اون ارشاد می‌شه، اون تنبه غافل، اونی که می‌دونه و عمداً دانسته داره انجام می‌ده، عالمانه، این جا اسلام می‌گه **امر به معروف و نهی از منکر**. یعنی می‌دونم می‌دونه، دوباره بهش بگو، یادش بنداز.

خب، این نکته اول:

### پس اینکه خودش می‌دونه، تکلیف رو از ما ساقط نمی‌کنه.

شما می‌گین حالا ادامه می‌ده، خب، ادامه بده. قرار نیست که یه دفعه متحول بشه. ببینید، ده نفر ممکنه به من تذکر بدن تا من نمازخون بشم؛ یا دروغ رو بذارم کنار یا هر چیزی. نفر اول که به من تذکر می‌ده چهار تا فحش بهش می‌دم. نفر چهارم که چند روز بعد می‌گه سه تا فحش بهش می‌دم. نفر ششم، هفتم چند روز دیگه می‌گه دو تا فحش بهش می‌دم. نفر هشتم یه فحش می‌دم. نفر نهم می‌گم: «خب بابا!» نفر دهم که بیست روز دیگه به من تذکر داد می‌گم: «چشم».



ببین چند نفر «چشم» شنیدن از این ده نفر؟ فقط یکیشون تأثیر کامل تذکرش رو دید. اما آیا اون نه تای قبلی تأثیر نداشتن؟ داشتن یا نداشتن؟

اگه یکی از اینا نمی گفت، اون دهمی هم چشم رو نمی شنید.

سؤال آیا فرقی می کنه که ما نفر اول بوده باشیم یا ششم یا هفتم یا دهم؟ هیچ فرقی نمی کنه، سهمت رو ایفا کن.

البته اون اولیه که بیشتر فحش شنیده، اون اجرش بیشتره ها! هر که زجرش بیش، اجرش بیشتر. می خوام بگم قطعات پازله، شما سهمت رو ایفا کن تو این جورچین. و مشکل اینجاست که این نه تای اولی خیال می کنن حرفشون اثر نداشته. چون به قول خواهرمون اینا دیدن که خب طرف گناه رو ترک نکرده که و نه بیشتر از یکه دیگه. یعنی یکی فکر می کنه اثر داشت، نه تا خیال می کنن اثر نداشته، در حالی که همشون اثر داره.



پاسخ خواهرمونم بگم، بعد شما فرمایش کنید. گفتن: ممکنه طرف اون لحظه اون مسئله رو درست کنه، رعایت کنه، اصلاح کنه، دوباره دو ساعت بعد همون آش و همون کاسه.

دوربینای کنترل سرعت رو دیدین تو جاده‌ها؟ پلیس خوب می‌دونه راننده‌هام خوب می‌دونن که اکثراً وقتی نزدیک این دوربینای کنترل سرعت می‌رسن با سرعت بالا، یهو سرعت رو کم می‌کنن. لا لا لا، مثل این بچه‌های خوب، دورین رو که رد می‌کنن، دوباره از اول گاز می‌دن، دوباره دورین بعدی، هم پلیس می‌دونه، هم راننده‌ها. اصلاً تو این نرم‌افزارهای مسیریاب زدن اعلام می‌کنه که مثلاً به دورین کنترل سرعت نزدیک می‌شین. خب چرا؟ اگه می‌خوای جریمه کنی، نذار این رو. آزار داری مگه؟ بذار یارو بیاد حالش رو بگیریم. ولی قضیه چیه؟ آقای پلیس می‌گه بین من می‌دونم که اینا اون جا می‌رسن کم می‌کنن، دوباره دو دقیقه بعد گزش رو می‌گیرن، من همین برام کافیه. همین که این تو این گردنه‌ها و مارپیچا، یا تو این جاده، سه نقطه، پنج نقطه، سرعتش رو بیاره زیر صد تا، همین خوبه. همین کچی به از

هیچی. بالاخره آب دریا رو اگر نتوان کشید درسته؟ هم به قدر تشنگی باید چشید.

پس هیچ کس نمیاد این دوربینای کنترل سرعت رو حذف کنه یا نکوهش کنه به این بهانه که اینها کافی نیستند. درسته کافی نیستن، طرف ممکنه دو ساعت بعد همون کار رو تکرار کنه، ولی لازم که هستن. حالا تصور کنید **آمران به معروف** زیاد باشن، یعنی من هیچ جا دیگه نتونم خطا کنم.

این دوربینای کنترل سرعت **آمرای به معروف** همه دوربین کنترل سرعت خدان. فرصت گناه دیگه پیدا نمی کنم.

دیگه شما سؤال داشتین؟

✚ من سؤالم اینه که اون اصرار به گناه، مثلاً اون اصرار داره این کار رو انجام بده الان. مثلاً من دارم یه غیبتی رو می شنوم دفعه اول تذکر می دم و رعایت نمی کنه مثلاً انجام نمی ده بعد ولی مثلاً اون محیط هستم ناچارم بشنوم، حالا دوباره من باید تذکر رو بدم؟ خب، اینجوری انگار دوباره اذیت شدن اون گناهکاره میاد وسط.



عرض می‌کنم.

آیا تذکر رو تکرار کنیم یا تکرار نکنیم؟ خودمونی سؤال این می‌شه:  
اذیت شدن گناهکار که در حد ضرورت اگر باشه اشکال نداره **بما هو  
ضرورة.**

ولی بحث اینه که یه جاهایی تکرار تذکر لازمه اتفاقاً؛ یه جاهایی  
تکرارش لازم نیست باید فاصله بندازیم تا تذکر بعدی. مثلاً سه تا  
مهمونی تذکر ندی دوباره مهمونی پنجم به این تذکر بدی. یه جا باید  
به یه نفر هی پشت سر هم بگی. بگی: «پسرم نمازت داره قضا می‌شه-  
ها! داداش نمازت داره می‌ره!»

دوباره نیم ساعت بعد می‌گه که: «آفتاب رفتا! بین نماز عصرت رو  
نخوندی» یه وقت باید تکرار کنی.

یه وقت همون موضوع یا همون آدم رو یه جا دیگه نباید تکرار کنی،  
شخص با شخص فرق می‌کنه.

نگاه کنید تو یه گناه واحد به دو نفر می‌خوای تذکر بدی از دو روش  
مختلف.



به یه شخص دو تا موضوع مختلف رو می‌خوای تذکر بدی، از دو روش مختلف.

نگاه کنید، می‌گم تو نماز، مثلاً شما با یه مهر و سجاده و کعبه و قبله و اینا سرو کار داری، خیلی راحت. تو **امر به معروف**، شما با پیچیده-ترین موجودات خلقت سرو کار دارین.

انسانی که فقط سیستم‌های جسمانی‌ش کلی پیچیدگی داره که هنوز کشف نکردن، با یه موجود پیچیده خلقت سروکار داری، یه جا اخم، یه جا لبخند، یه جا تکرار، یه جا کم‌محلی، یه جا خودت رو بزنی به اون راه که ان‌شاءالله نمازش رو خونده مثلاً همین ده دقیقه‌ای که ما نبودیم یا مثلاً فلان. یعنی اینا تشخیصش به عهده خود مکلفه. مراجع تقلید می‌فرمایند خودتون اون جا تشخیص می‌دید که الان تکرار کنم یا تکرار نکنم.

الان این مجلس گناه رو ترک کنم برم بیرون **امر به معروفه**؟ یا نه اتفاقاً این جا بشینم و اذیتم بشم ولی سعی کنم با شوخی کردن، خوش



و بش کردن، بذله گویی کردن، فضا رو دست گرفتن، حرف و عوض کردن، یا تذکر جدی دادن من سعی کنم فضا رو عوض کنم؟

ببینید، یه مهمونی گناهی رو باید نرفت، یکی باید اولش رفت، آخرش رو نرفت. یکی باید اولش رو نرفت، آخرش بری شامش رو بخوری. یکی باید بری مثلاً یهو جا بخوری، تعجب کنی از گناه! برگردی بیای. یکی باید کلاً بگی من نمیام، یکی باید بری ولو بشینی و موسیقی هم به گوشت می خوره تحمل کنی، چون همین چهار تا نماز خونم که نرن، از مهمونی بعدی طرف می گه آقا! مشروبم بیارید، اصلاً مختلطشم کنید، اینا که نمیان.

بین احتمال تأثیر همیشه این نیست که طرف بهتر شه، گاهی احتمال تأثیر اینه که با این حفظ رابطه شما با اون دوستت یا با اون فامیلت، از اینی که هست بدتر نشه. یا دیرتر بدتر بشه.

تخم مرغ دزد رو ول کنیم، می شه شتر دزد.

حالا ما با این فامیلمون قهر کنیم، با اون رفیقمون قهر کنیم، با اون همسایه قهر کنیم؟ گل بی خار کجاست؟



## حرف معقول بفرما گل بی خار کجاست؟

با هر کسی به بهانه‌ای قهر کنیم بعد چه اتفاقی می‌افتد؟  
اون زنجیره توامی قطع می‌شه. بعد طرف دیگه احساس می‌کنه  
چیزی برای از دست دادن نداره. می‌گه ما که دیگه بی‌آبرو شدیم، ما  
که دیگه، ببینید بذار هر کاری نمی‌خواستیم بکنیم هم بکنیم.  
پس جا با جا فرق می‌کنه. نمی‌شه تجویز کلی کرد که آقا! هر مجلس  
گناهی بود پاشو برو بیرون. نه یه وقت باید بشینی.  
هر جایی مثلاً هر کی این کار رو کرد، با این روش تذکر بده. نمی‌شه  
تجویز کلی.

✚ ببخشید من یه سؤالی برام به وجود اومد:

تو بعضی مواقع دیده شده که مثلاً اون شخصی که داره تذکر می‌ده  
اون اصول که باید رو رعایت کرده، اما فردی که داره تذکر می‌شه لج  
می‌کنه و تو این رو می‌بینی علناً که سری بعدی حالا اون چیزی که  
بهش تذکر دادی رو بدتر کرده. هنگامی که اون لجه صورت می‌گیره،  
چیکار باید بکنیم؟



متشکرم. خیلی خوبه. این رو حالا می‌خواستیم چند جلسه بعد بهش برسیم. سؤال قشنگیه.

موافقید که خیلی وقتاً تذکر غلط نتیجه‌اش لجبازیه؟

تذکر به شیوه غلط خیلی اوقات نتیجه عکس می‌ده، قبوله؟

✚ ممکنه تذکر درست‌م بدیم ولی باز لج کنه.

حالا همین رو می‌خواستم بگم، احسنت!

سؤال بعدی این بود. آیا هر تذکری که نتیجه عکس می‌ده و باعث لجبازی طرف می‌شه لزوماً شیوه تذکردهنده غلط بوده؟ نه. دقت کنید، دو تا مسأله است.

اکثراً تذکرهاى غلط نتیجه عکس می‌ده، لجبازی و بدتر شدن و اینا.

اما آیا هر تذکری که نتیجه بدتر شدن داد و طرف اصلاً به قول

ایشون می‌گه: کلاً خانمه گفت: حجاب، دختر خانم! حجابت رو مثل

مامانت خوشگل کن. شالت رو سرت کن اینا. می‌گفت: مامانه هم

یهو شالش رو درآورد گفت: بیا منم شالم رو در میارم، خوب شد؟



بعد خانمه می گفت: آقای دکتر من دیگه **امر به معروف** نمی کنم. آه من این خانم رو به گناه واداشتم. گفتم: شما با فحش مگه **امر به معروف** کردی؟ گفت: نه. گفتم: روشت غلط بوده؟ گفت: نه، به دختره گفتم: «عزیز دلم! مثل مامان خوشگلت، یه شال قشنگ سرت کن.»

گفتم شما هیچ گناهی از این خانم به گردنت نیست. از کجا؟ از استفتاء مراجع تقلید. اگه شما بد گفتی، او رو دفع کردی، ضعف کردی، زده کردی، رد کردی، گناه کردی.

طرف می گه: دیگه مسجد نمیام؛ دیگه نماز نمی خونم. چرا؟ چون تو با فحش **امر به معروف** کردی. با سطل ماست زدی تو کله طرف. خوب ولی یه وقت هست شما می گی: عزیزم! دخترم! تذکر قشنگت رو دادی و او داره لج می کنه، جهنم که لج می کنه.

یعنی باید بدونیم تذکر، چه بسیار تذکرهای صحیح که نتیجه عکس دادن. ملاک صحیح و غلط بودن یک تذکر نتیجه اش نیست، ملاکش رعایت وجود چهار شرط وجوبه و رعایت احکامه. قاعده



فقہی گفتیم اون جلسہ: الأیسر فالأیسر فارسیش رو گفتیم: آسان‌تر،  
سپس آسان‌تر

یعنی شما می‌بینی آقا! در گوشی کافیه، داد نزن. یه داد بزنی کافیه، دو تا داد نزن. اینا رو رعایت کن اون بحث شربت و کپسول و قرص و آمپول و فلان و اینا، رعایت کردی و تذکر دادی، حالا نتیجه عکس داده که داده. حالا که این رو پرسیدید مجبورم یه بیت شعرم بهتون هدیه کنم، می‌گه:

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست

در باغ لاله روید و در شوره‌زار خس

خوب دقت کنید گوش بدین تذکر قشنگ و درست مثل بارونه، توی شوره‌زار بارون بباره، خس و خاشاک در میاد؛ تو باغچه بارون بباره، گل در میاد.

اون بذر گل داره، اون بذر خار و خاشاک داره. تقصیر بارونه که تو بیابون خار و خاشاک در میاد؟ بذر خار و خاشاک اون جا زیاده. نگاه کنید تذکر قشنگ مثل بارونه. به اون آدم حق‌پذیر با وجدان منصف



بگی، حالا ناراحت می‌شن، باشه، خیلی خب، چشم، باشه حالا مثلاً  
خب.

به اون آدمی که یه مقدار اون زمین وجودش زیادی خاک گرفته است  
و مستعد گل و ریاحین و اینها نیست و مستعد خار و خاشاکه، «به  
تو چه؟» و فلان.

نگاه کنید، این تقصیر بارونه نیست. تذکر صحیح مثل بارونه.

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست

در باغ لاله روید و در شوره‌زار خس

پس ملاک درستی و غلطی تذکر، نتیجه‌اش نیست. مثال نقض بزخم  
یه دونه؟ آقا امام حسین (ع)، یزید رو **امر به معروف و نهی از منکر**  
کرد یا نه؟ نتیجه عکس داد یا نه؟ یزید لج کرد یا نه بدتر کرد یا نه؟  
شالش رو درآورد یا نه؟ یعنی چی شالش رو درآورد؟ یعنی گناه جدیدتر  
هم انجام داد.

آقا! یزید ته جرمش چی بود؟ غصب خلافت و سگ‌بازی و شرب  
خمر علنی و اینا دیگه. قاتل امام معصوم که نبود، بود؟ امام حسین



(ع)! شما امر به معروف و نهی از منکر کردی، این یه جرمم گذاشت رو جرماش، شالشم درآورد؛ قاتل امام معصوم هم شد.

پس امام حسین علیه السلام نعوذ بالله، اشتباه امر به معروف کرد. دیدی نتیجه عکس داد، به لج انداخت طرف رو. آقا! کی می گه امام حسین امر به معروفش غلط بوده؟ خود امام معصوم سیره اش حجت، خودش ملاک درست و غلطه.

حله؟

± ببخشید یه سؤال، این که چرا حرف از امر به معروف و نهی از منکر که می زنیم، ذهن ها همه می ره سمت حجاب؟ نمی ره سمت دزدی و اختلاس و اینا؟

سؤال قشنگه! یه بخشیش البته اشاره ای داشتیم جلسه قبل. نگاه کنید دو، سه سال کشور ما، خیلی کشورها درگیر کرونا بود. خب آیا ما می تونستیم بیایم تیم بهداشت و درمان رو متهم کنیم بگیم: آقای وزیر بهداشت! پزشکا! شما بیماری رو محدود کردید به کرونا؟



همه‌اش درباره کرونا دارید مبارزه می‌کنید؟ روشنگری می‌کنید؟ این همه بیماری‌های دیگه، حصبه مرغابی‌ها، ذات‌الریه سوسمارها، نمی‌دونم فلج شدن پای یه آقا، اینا مریضی نیست؟ همش بیماری رو شما محدود کردید به کرونا؟

آقای وزیر بهداشت هم می‌گه: ما محدود نکردیم به کرونا، خب این شایع تره، رواجش بیشتره.

مثل اینه که به بچه‌های آتش‌نشانی بگیم: آقا! شما بیست و هشت تا مأموریت مشخص دارید، نجات انسان‌هایی که بالای دکل گیر کردن، بیرون آوردن آدمی که ته چاه افتاده، ولی شما بیشتر مأموریت-هاتون رو می‌رید آتیش خاموش می‌کنید. شما مأموریت‌ها رو محدود کردید به آتیش خاموش کردن. می‌گه: خب بابا تقصیر ما چیه بیشتر زنگ‌هایی که می‌زنن آتیش‌سوزیه؟ خب می‌ریم خاموش می‌کنیم.

عرضه تابع تقاضاست. می‌دونی چی می‌گم؟ باید ببینی چی شایع‌تره؟ کدوم گناه شایع‌تره؟ حالا بخش دوم فرمایشتون خیلی نکته دقیقی بود که فرمودید که مگه دزدی و اختلاس و این‌ها گناه نیست؟ فقط



بی‌حجابی و بدحجابی گناهه؟ ببینید من و شما الان تو خیابون برید ده ساعت، ماهفت، هشت ده نفری بریم قدم بزنیم از جلوی بیست تا اداره رد بشیم خب فرض کنید تو طبقه ششم یکی از ادارات یه نفر معاون نشسته داره تو کامپیوتر حسابا رو جابجا می‌کنه، اختلاس می‌کنه. تو طبقه دوم اون اداره هم یکی نشسته داره اختلاس می‌کنه، اصلاً ما می‌بینیم اون اختلاسه رو؟ باخبر می‌شیم؟ مطلع می‌شیم که بخوایم **نهی از منکرش** کنیم؟

خب بیاد جلوی چشم من **نهی از منکرش** کنم. ببینین ما از دادگاه اختلاس‌ها باخبر می‌شیم، فکر می‌کنیم اختلاس زیاد شده. دقت بفرمایید برخورد با اختلاس زیاد شده، یکی از اشتباهایی که رسانه ملی ما انجام داد این بود که انقدر این دادگاه‌های اختلاس‌گرا رو تکرارش رو پخش می‌کنن، عین برادران دالتون میارن لباسای راه‌راه گورخری می‌پوشوندن به این اختلاس‌گرا. می‌خوان بگن که مبارزه با فساد هست. هی اینا رو پخش می‌کنن، مردم ضمیر ناخودآگاهشون فکر می‌کنه که اختلاس زیاد شده. ما دادگاه اختلاس‌ها رو می‌بینیم اتفاقاً برخورد با اختلاس‌هاست که زیاد شده.



حالا سؤال: چند درصد مردم کشور ما اختلاسگرن؟ به یه درصد می‌رسه؟ چند درصدشون ولی بدحجاب و بی‌حجابند؟

آیا همون قدری که با اون برخورد شده با این برخورد شده؟ کدومش شیوعش بیشتره؟ نگاه کنید اختلاس خیلی گناه بزرگیه‌ها. نمی‌خوام پنهانش کنیم. خب؟ ولی گناه بزرگی است که فاعلش اون رو پنهان می‌کنه. یعنی هم خودش قبحش رو می‌دونه، می‌ترسه؛ هم می‌فهمه مردم بفهمن، علنیش می‌کنن. هم می‌فهمه مسئولین باهاش برخورد می‌کنن.

ولی بدحجاب و بی‌حجاب، خوشگل، قشنگ استوری می‌کنه، برهنگی رو می‌ذاره؛ نه خودش قبحش رو می‌دونه، نه مردم بهش چیزی می‌گن، نه مسئولین باهاش برخورد می‌کنن.

### پس بزرگی و کوچیکی گناه به جرم نیست، به چگالیه

$\rho$  نسبت  $\frac{M}{V}$ ، نسبت به جرم و حجم، دیگه خدا به چگالی گناهکار داره. می‌گه بزرگی و کوچیکش یه بحثه، پنهانی بودن یا علنی بودنش یه بحث خیلی خطرناک‌تر، واسه همین می‌گه، تو اسلام می‌گه اقرار



به گناه خودش گناهه، اگه خطای کردی نری برای کسی دیگه تعریف کنی‌ها، این یه گناه بزرگ‌تره.

تعریف، عادی‌سازی می‌شه، عرف‌سازی می‌شه، اینم یه بحث.

✚ ببخشید من یه سؤال دیگه هم داشتم که متناسب با موضوعات جلسه پیشمون بود ولی نشد پرسم. این که شما گفتید که مثلاً **امر به معروف** در جایی که حفظ جان باشه حرامه و شما نباید این کار رو انجام بدید. مثلاً شخصی رو مثال زدید که تا دندان مسلحه و این‌ها. اما خب خیلی جاها شده که من رفتم به یک همجنس خودم دارم تذکر می‌دم، اما سلاح ایشون فقط دوربین گوشیش بوده، یعنی اون پخش کرده. خیلی از ما هستیم که اون خطر رو فقط به مثلاً حالا اسلحه یا سلاح‌های سرد نمی‌بینیم. به اون گوشیه یا به اون افرادی که مثلاً اون اطراف هستن ممکنه فیلمه رو بگیرن پخش کنن. تو این جور مواقع باید چی کار کنیم و چه حکمی داره یعنی واجبه، مستحبه یا ...؟



نگاه کنید نه این طور نیست که بگیم هر جا خطر جان داشت تکلیف ساقطه. باز باید ببینیم گناه چقدر بزرگه. یه جا جونت رو بدی.

آقا! می‌خواد ده نفر رو بکشه، شما می‌دونی بری جلو، چهار تا چک می‌خوری، این جا واجبه بری جلو چهار تا چک بخوری، از اون ده تا حتی یکیشون رو بتونی نجات بدی. یعنی یه جاهایی جان رو باید داد، یه جاهایی آبرو رو، یه جاهایی پول رو باید اهم و مهم کنی، چی به دست میارم چی از دست می‌دم؟

الان این گناهه چقدر بزرگه، خطر تذکرش چقدر بزرگه؟

چون همیشه تذکر خطر داره، سکوت همیشه خطر داره یه وقتا خطر سکوتیه که حواسمون بهش نیست، عادی شدن گناهه. خشم خداست. خیلی وقتا خطر سکوت اینه که تو جلو گناه رو نگیری، گناهه میاد یه روز جلوت رو بگیره. ببینید ما حواسمون به این خطر گناهه نیست که خطر سکوتیه، سکوت هم خطر داره. باید ببینی خطر تذکر این احتمالاً چقدره؟ می‌گی: شاید این دو تا فحش آبدار هم به ما بده، احتمالاً خب سکوت این گناهاش چقدر بزرگه؟ این رو



بذار تو کفه این گناه باقی بمونه، خیلی بده، خیلی داره عادی سازی می شه این همین جوری. بگم، دوتا فحش نوش جونم!

پس هر جایی هم به خطر افتادن جان و مال و آبرو تکلیف رو ساقط نمی کنه. حالا می گین مثلاً اینا می گن: «دوربین ما، اسلحه ما!» من تو اتوبوس بودم یه منکر گناهی رو دیدم، تذکر دادم. یه دفعه این خانمه گوشیش رو درآورد. گفت: چی چی؟ یه بار دیگه بگو، یه بار دیگه بگو. منم همینجوری وایساده بودم میله وسط رو گرفته بودم، با کمال خونسردی گفتم که رکورده خانم؟ گفت: ها؟ گفتم: رکورده؟

گفت: بله. گفتم: سلام مصی جون! وقت شما بخیر. اینجا اتوبوسای بی آر تی شهر تهرانه و این جا حریم شهروندی رو این خانم نقض کردن و مسائل شهروندی رو رعایت نمی کنند، من بسیار زیبا به ایشون تذکر دادم، شمام ان شاء الله تذکر بدین، اینا روم قطع کرد گفت: اه. گفتم: پناهندگیم جور شد. این که به درد نمی خوره که مثلاً فلان.

قطع کرد گذاشت تو کیفش.



ببینید نباید بترسی فکر کنی الان حالا بعضیا می گن: آقا! اون فیلم تو رو می گیره، تو هم فیلم اون رو بگیر. نمی دونم فلان اینا.

اینارو ما خیلی توصیه نمی کنیم. البته بدم نیستا و بالاخره دادگاه یه چیزی دستون باشه. ولی واقعیت اینه که هزار تا یکی، اینا پیش میاد. بین ما با گله زامبی ها که طرف نیستیم، یه سری آدمایین که خیلی کاراشون از ما بهتره. چرا یک دهم، یک هزارم، میلیاردم درصد توشون لیدرم هست؛ زامبی هم هست؛ مزدور دشمن هم هست.

ولی اینا خیلی آدمایین که خیلی کاراشون از خیلی از ماها بهتره، فقط یه عیبی دارن: نمی دونن که ظاهر رو باید حفظ کرد. نمی دونن که ظاهر از باطن کم اهمیت تر نیست. اینا گناه رو ظاهر می کنه. تذکر باید داد. حالا یکی دیگه اونجوری در میاد، یکی چشم می گه، یکی دوربین در میاره.

تذکر مثل لپ لپ می مونه؛ مثل هندونه در بسته؛ دیگه شانستون چی باشه توش؟ فحش در بیاد؛ کتک در بیاد؛ چشم در بیاد.



ان شاء الله شرط چهارم، عدم مفسده رو هفته آینده جلسه آینده توضیح بدیم، که شرط چهارم باقی موند، این سؤال هم کامل تر ان- شاء الله به جوابش خواهیم رسید. موفق و منصور باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

ادامه دارد ...

